



# بسم الله الرحمن الرحيم

پژوهشگاه مطالعات اسلامی در علوم انسانی

سلسله کارگاه های طرح اختصاصی اساتید علوم انسانی (کارگاه شماره ۳)

نام کارگاه: آشنایی با روش ها و رویکردهای تفسیر قرآن با تاکید بر مهمتین تفاسیر معاصر (جله سوم)

استاد مدعو کارگاه: حجت الاسلام دکتر عبدالهادی مسعودی

تاریخ برگزاری: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

## بسمه تعالی

دکتر مسعودی : بسم الله الرحمن الرحيم . با عرض سلام خدمت تمامی هکاران و اساتید محترم . بحث جلسه قبل را ادامه می دهیم ؛ همانطور که در جلسات گذشته گفتیم در این جلسه هم تقریباً از بحث روش استاندارد و روش کامل و جامع فهم قرآن صحبت می کنیم .

سوال شده بود اگر لیس النسانه ما سعی به جهت سیاقش ناظر به قیامت و کارهای اخروی بدانیم آیا ما آیات دیگری در قرآن داریم که بتواند راجب اقتصاد صحبت کند و ما بتوانیم از جنبه یک اقتصاد دان به آنها نگاه کنیم ؟

دکتر مسعودی : اگر بخواهیم کلیات را بگوییم باید به این پرسش پاسخ مثبت دهیم یعنی ما آیات متعددی در قرآن داریم که کلیات اقتصاد را دارد . علاوه بر مسئله ربا که خودتان مثال زدید مسئله لا تاكلوا اموالکم بالباطل است که خیلی از فروزها را پوشش می دهد . همچنین بزرگترین آیه قرآن آیه اقتصادی و آیه حقوقی است . ( آیه ۲۸۲ سوره بقره )

چندین آیه دیگر هم داریم که راجب مفاهیم اقتصادی بیان می شود . آیات متعددی راجب وصیت داریم ، راجب سخاوت دین ، قرض الحسنه داریم . همه این ها را در کتابی به نام توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث آیت ... حیدری ریاست دانشگاه قرآن و حدیث جمع کرده اند .

یک کتاب دیگر هم است به نام فرهنگنامه داد و ستد و تجارت .

یک سوال دیگر هم بود که آیا ما می توانیم این روش را برای امروز هم بکار ببریم ؟ پاسخ این سوال را من در گام ۹ و ۱۰ می دهم آنجا به این سوال می پردازیم .

ما سیاق متنی را عرض کردیم که آیاتی که حول محور آن بحث و آن قطعه مورد کاوش ما است . در قرآن هر چند آیه چند آیه یک سیاق است . ما در مسئله سیاق متنی یکی از بهترین تقسیم بندی های سیاق تفسیر المیزان را داریم . اگر نگاه کنید تفسیر المیزان با این شکل است که هر چند صفحه

یک آیه را آورده است و بعد ۲۰ صفحه یا ۳۰ صفحه (به اقتضای بحث) تفسیر آورده است. این ۶ یا ۷ آیه بر اساس سیاق ها تقسیم شده است.

## سیاق مقامی :

در این سیاق ما دنبال قرائن بیرون از متن هستیم. اگر شما بخواهید یک کلامی را ببینید در چه حال و هوایی صادر شده است. باید سیاقش را تشخیص بدهید.

برای مثال: آیه اعملوا ما شئتم: اگر من اینگونه بخوانم یعنی هرکاری دوست دارید انجام دهید اما اگر بر نظام تحلیل بخوانید (لحن خواندن فرق می کند) اعملوا ما شئتم هر کاری که می خواهید بکنید و انما تکذونما. هر کاری می خواهید بکنید دستورش صادر شده است. این یک نوع سیاق است که به آن سیاق کاربردی گفته می شود.

من اگر این آیه را بیاورم شما مضاف الیه را تشخیص دهید. مذاکرات دوباره آغاز شده.

مذاکرات در مورد چی؟ من اصلا نگفتم در مورد چی.

پاسخ یکی از استادان: مذاکرات هسته ای

دکتر مسعودی: عافین مذاکرات هسته ای. چیزی شبیه گفتمان است گاهی اوقات گفتمان گاهی اوقات خود فرهنگ یا فضای تقابل این ها چیزی را بدست می آورند که مفهوم کلام با مفهوم ساده ای که ما بتوانیم در آن سیاق ببینیم متفاوت است.

حال از دیدگاه تفسیر سنتی ما بحث سیاق مقامی را به شکل اسباب نزول می آورند. تطابق کامل ندارند و تطابق حداکثری دارند. ما سیاق هایی هم داریم که به شکل اسباب نزول ذکر نشده باشد.

سیاق یعنی حداکثر گفتگوی بین دو نفر فضای گفتگوی جمعی، خرده فرهنگ اجتماعی و سیاسی و دینی.. اینها می توانند سیاق باشند.

حتما ما در قرآن باید به سیاق توجه کنیم مانند هر سخن دیگری . اما در قرآن خیلی حساس تر است .

ببینید آرام آرام به سبک الهی نزدیک می شویم . آیات مسیح ، آیات هجر و خیلی آیات دیگر در سوره انعام . کتاب های اسباب نزول واحدی نیشابوری در اهل سنت ، اسباب نزول آقای حجتی و.. در این زمینه مناسب هستند .

یک نکته دیگر : اگر متن قرآن در یک بستر تاریخی نازل شده باشد و با رویداد های پیرامونی و تاریخی آن زمان ارتباط داشته باشد ، به جای اینکه ما باید تاریخ را بشناسیم ، جغرافیا را بشناسیم و معنا کنیم ، این نتیجه اش محدود کردن قرآن در یک بستر تاریخی است . بزرگان مذهبی ما این عقیده را دارند که می گویند قرآن در زمان خودش نازل شده ، ما باید آن زمان را کنار بگذاریم و بر اساس یک سری چیز های کلی قرآنی مانند ظلم بد است ، برابری باید انجام شود و... تفسیر انجام دهیم .

اگر ما سنتی به نام جری و تفسیر را برداشتیم حق با این عزیزان است . وقتی قرآن به عنوان یک متن تاریخ مند ظهور می کند اگر ارتباط با موقعیت داشته باشد و قابل فهم شود مختص همان دوران هم می شود . اما ما یک قاعده ای داریم به نام قاعده جری و تفسیر که خود ائمه (ع) به آن اشاره کرده اند . انما القرآن الغير الغریب . مانند یک شاخه سبز درخت همواره میوه می دهد . خود ائمه فرموده اند اگد قرآن جری و تطبیق نداشت خب آیه مرده بود . آیه در همان زمان خودش تمام شده بود . من این ها را در کتاب تفسیر روایی جامد حامد آورده ام . ولی ائمه می فرمایند ما می توانیم جریان بدهیم یعنی مفهوم کلی را از آیه بگیریم بر مصداق های نو پدید و نا پیدای بعد پیدا شده تطبیق دهیم .

نکته ای که اینجا مطرح می شود این است که ما یک سیاق کلی قرآنی هم داریم . گام هشتم است از نوع سیاق متنی محسوب می شود اما نه آیات مجاور بلکه آیات مرتبط .

بر چه اساس؟ بر این اساس که خب قرآن در عین حالی که نزول شفاهی داشته به وسیله آورنده همان قرآن در یک مصحف جمع آوری و تدوین شده و خود قرآن هم می فرماید با وجود نزول تدریجی قرآن هیچ تناقضی در آن نیست.

این وحدت درونی قرآن زمینه این کار را پدید می آورد که من برای فهم یک آیه از صد آیه انطرف تر هم می توانم کمک بگیرم.

اگر من راجب حضرت موسی تحقیق می کنم فقط به آیات سوره قصص اکتفا نکنم. سوره صافات را هم بینم، سوره انبیا را هم بینم. اگر ما راجب زهد یا مسئله اقتصادی یا مسیله روانشناختی تحقیق می کنم و آیات را استخراج می کنم یک دور کامل قرآن را در این ارتباط بینم

مبدع این نظریه در تفسیر معاصر هم علامه طباطبائی هستند که تفسیر قرآن به قرآن را به صورت تلفیقی ارائه فرمواه اند و هم مرحوم آیت... مصباح که در تفسیر موضوعی این کار را انجام داده اند.

در شیوه گرد آوری آیات مرتبط با یک سیاق کلی قرآن چند قسمت را باید تلفیق کنیم تا بتوانیم بگوییم قرآن را دیده ایم. البته بهترین دوره را استاد مصباح فرموده اند یعنی از اول قرآن تا آخر با یک سوال سرو کار دارند.

بسیار آیات مناسب پیدا می کنید. یکی از دوستان پرسیده بودند آیا ما می توانیم برای مدیریت قرآن را تفسیر کنیم؟

دکتر مسعودی: به این شکل بله. اگر سوال در ذهن ما باشد و به دنبال جواب باشیم می توانیم یک تفسیر مدیریتی داشته باشیم. تفسیر به رای نمی شود. زیرا من نمی خواهم آنچه را می شنوم و میفهمم بگویم قرآن. می خواهم آنچه را قرآن در ارتباط با سوال من می فهمد بگویم. به طور

خلاصه: نمی‌خواهم آنچه را که من می‌فهمم بگویم قرآن می‌گوید بلکه می‌خواهم آنچه را قرآن می‌گوید بفهمم. (این تفسیر به رای نیست)

برای پیدا کردن آیات مرتبط یکی حافظه است. می‌توانیم سیاق‌نگوییم من در خیلی مقاله‌هایم سیاق‌نگفته‌ام. گفتم امور مرتبط ولی برخی را گفته‌ام سیاق کلی قرآن. اسم‌گذاری است.

حافظه و دانسته‌های پیشین خیلی مهم است. یکی از رکن‌های تفسیر المیزان همین تسلط ایشان برای یافتن آیات مرتبط و حل‌کننده آیه بوده است.

علامه طباطبائی حافظ قرآن نبوده‌اند ولی آیات مرتبط با این را می‌توانستند به راحتی در قرآن پیدا کنند یعنی در ذهنشان داشتند این آیه در قرآن است.

پس حافظه و مطالعات و دانسته‌های پیشین خیلی مهم است.

به هیچ وجه آیات مجاور تاثیر خودشان را از دست نمی‌دهند حال خواهیم گفت. مقام معظم رهبری اگر در مورد آمریکا یک حرفی بزنند این را باید حتماً برای تحلیل سیاسی در سیاق کلی آن حرف در مورد آمریکا دید. هم باید سیاق کنونی آن حرف را دید برای مثال در دوره مذاکره بوده است یا خطاب به مجلس بوده است یا ...

شیوه دیگر لفظی و کلیدواژه‌ای است. جستجوی کلیدواژه‌ای قدیم از طریق معجم‌المفهم قرآن بود که فقط به صوبت تک واژه‌ای بود. یعنی شما می‌توانستید فقط بر اساس یک کلمه جستجو کنید.

پس واژه‌های اصلی، واژه‌های ترکیبی این از طریق جستجوی لفظی می‌توانید به خیلی از آیات برسید ولی همه آیات را نمی‌توانید برسید برخی آیات هستند که هیچ واژه‌مشابهی ندارند ولی معنایشان با معنای آیه ما یکی است.

**گام ۹: روایات هستند.** روایات تفسیری یکی از موثرترین ابزارها و منابع مفسر است برای

تفسیر قرآن. علتش این است که این سوال هایی که امروز ما از قرآن داشتیم به یک شکل دیگر یا در یک حجم دیگر مسلمانان های صدر اسلام، اصحاب، تابعیان و... داشتند.

از پیامبر اکرم پرسیدند، از امام علس (ع) پرسیدند، این سوال ها در واقع یک منبع عظیم برای تفسیر ما است. در حال حاضر چیزی حدود ۱۲ یا ۱۳ هزار آیه تفسیری از پیامبر تا آخرین امامی که از شان حدیث دریافت کرده ایم داریم.

یعنی طی یک دوره ای حدود ۳۰۰ ساله. در واقع روایات تفسیری قرینه های قرآن هستند اما به شکل دیگر. قرینه های نفعی هستند که وجود خارجی دارند اما نه در جنب قرآن جدای از قرآن.

یک سوال داشتند دوستان: آیا تفسیر روایی را می توانیم بهترین تفسیر بنامیم؟

اگر روایات به عنوان جزئی از این گام ها باشند بله اما اگر به معنای بسنده کردن و منحصر کردن منابع تفسیری به روایات باشد، خیر بهترین شیوه نیست. بهترین شیوه همان روش جامع است.

حال روایات تفسیری چگونه یافت می شوند؟ کسانی که به دلیل اینکه مفسر نیستند و می خواهند استفاده کند کتابهای تفسیر روایی که نام بردم کافی است ولی کسی اگر بخواهد تفسیر کند یا در مورد یک آیه بررسی بیشتر کند باید شخصا خودش کتاب های حدیثی را در اختیار داشته باشد. ما چند آیه را اینگونه آزمایشی انجام دادیم.

**اما گام ۱۰: این گام اعتبار سنجی است؛** که اتفاقا یکی از سوال های جلسه اول هم همین

بود. حال تفسیری را که به آن نسبت دادیم چگونه اعتبار سنجی کنیم.

بینید در علوم که متن محور هستند و بر اساس متن کار را پیش می برند ملاک اعتبار ظهور و صراحت آن متن است. به این معنا که آنچه که مردم بیشتر تهیه می کنند. اگر بیشتر مردم ایران

زمین از کتاب به یک شئی کاغذی پر از نوشته نگله می کنند من دیگر حق ندارم یک کتاب دست مردم بدهم که هیچ نوشته ای ندارد

برای مثال کتاب آنچه مردان درباره زنان نمی دانند که بسیار هم فروش رفت . پس در متون فهم اکثریت ملاک است . حال من در تفسیر چگونه می توانم به این اکثریت دست پیدا کنم ؟ با مراجعه به تفسیر ها .

یعنی می آیم می گویم من بر اساس روشی که پیدا کرده ام به این درجه از فهم رسیدم بقیه مفسران هم همین را متوجه شده اند . این در همه مراحل فهم امکان پذیر است .

### گام ۱۱ : برای برقراری پیوند میان تفسیر و فهمی که از قرآن بدست آوردیم و اندیشه

های نو مانند روانشناسی یا جامعه شناسی یا اقتصاد . ما اول باید این فرض را داشته باشیم که قرآن کهنه نمی شود بر اساس همان سنت جری و تفسیر قرآن کهنه نمی شود.

دوم اینکه از سوال کردن قرآن نهراسیم . در سنت تفسیری به این می گویند **استنطاق** .

**استنطاق** یعنی حرف بیرون کشیدن . یعنی سوال را به قرآن عرضه کردن . برای مثال در مورد جهاد ، ازدواج ، حقوق و ارث زن و...

سه گونه راهکار برای این پیوند پیشنهاد شده و عملیاتی شده :

#### ۱\_ راهکار تالیفی و تاییدی

#### ۲\_ راهکار زیر گزاره ای

#### ۳\_ راهکار گفتگوی گام به گام موضوعی

در راهکار اول من می آیم آنچه را که از تفسیر بدست آورده ام به طور مستقل و جدا عرضه می کنم ، آن شخصی هم که در جامعه شناسی کار کرده است محصول خودش را عرضه می کند .



ببینید در پژوهشگاه دانشگاه قم یک تحقیق راجب کجروی اجتماعی انجام دادند. ایت ها اساس کارشان همین بود. آمدند موضوع کج روی را به چندین گزاره ریز تر تقسیم کردند. بعد برای هر کدام از این گزاره ها دنبال آیه مناسب گشتند. آیه و روایت مناسب با هر گزاره را ذیل آن گزاره گذاشتند بعد این دو را با هم تلفیق کردند. گفتند برای مثاب تعریف کج روی اجتماعی از نظر قرآن، سبب کج روی اجتماعی از نظر قرآن.

چه کسانی می توانند به کج روی اجتماعی بیافزایند و چه کسانی می توانند جلو بگیرند. راهکار های مقابله اش چیست؟ این ها را به گزاره های ریز تقسیم کردند.

روش سومی پیشنهاد شده به نام روش گفتگوی گام به گام مشارکتی است. برای این است که بربرای اینکه از اول مفسر و اقتصاد دانمان با یکدیگر درگیر نشوند و با یکدیگر صحبت کنند در هر مرحله این ها با هم گفتگو داشته باشند به این معنا که اقتصاد دان از همان اول تعریف ربا و سرمایه و کار بیاید با یک شخصی که تفسیر خوانده یا دانش پژوه است یا مفسر است می آید تعریف های خودش را در میان می گذارد.

در هر مرحله با یکدیگر گفتگو کنند و پروسه ی تحقیق را در هر جلسه به صورت مشارکت ذهنی و فکری پیش ببرند ولی عامل اجرایی در تفسیر مفسر است و عامل اجرایی در علم آن شخصی است که دنبال علم است.

به عبارت دیگر یک سری مسایل ذهنی انجام می شود البته اگر کسی خودش هم مفسر باشد هم جامعه شناس آن نظریه ای که در خود ذهنش انجام می گیرد از همه بهتر است.

اما ما در میان افراد مفسر کمتر کسی را میبینیم که در این حوزه تخصص داشته باشد. در علوم جدید هم کمتر کسی را داریم که تفسیر را کامل بلد باشد.

اگر کسی بتواند روش گزاره ای را از روش گفتگوی گام به گام مشارکتی تلفیق کند کما اینکه یک مورد در مورد پژوهشی در فرهنگ حیات شاهد بودیم می تواند که ثمرات خوبی را نائل شود .

کتاب شادکامی در اسلام در حوزه حدیث است جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی را برد.

گفتگوی گام به گام مشارکتی را هم گفتم اگر به صورت دقیق انجام بگیرد تقریباً می شود گفت وظیفه امروز مفسران و محققان را برآورده می کند .

یکی از سوالاتی که در جلسه اول بود این بود که چگونه میشود از یک متن واحد من چند معنا برداشت کرد ؟

بینید وقتی می گوئیم حسن و حسین آمدند یعنی حسن و حسین دو آدم هستند که پدرشان دیدگاه مذهبی داشته . من از کجا می فهمم ؟

هیچ موقع پدر مذهبی اسم غربی بر روی بچه هایش نمی گذارد .

من یک سوال دیگر دارم . آیا حسن و حسین باهم نسبتی داشتند ؟ به احتمال زیاد این ها دوستند که می گوئیم باهم آمدند .

حال یک نکته مهم : این هر دو نفر مذکرند . یعنی دخور و پسر نیستند هر دو پسرند .

پس شما می توانید از متن با پرسش کردن بسیار مطلب بیورید .

مثال : اگر ما بتوانیم وارد شویم به یک شگرد های دیگر ارباب رسانه برای مثال اگر بحث فرعون و سامری را داشته باشید ما در واقع آنجا می توانیم بگوئیم این شخصی که آمد گوساله درست کرد و از آن گوساله صدا درآورد می توانیم بگوئیم در امروز کسانی که با هیاهو و هوا و صوت و صدا و خبر افراد را گمراه می کنند . پس ما از این جت یک دقت های و جلوه های بصری باید داشته باشیم .

آخرین گام به طور خلاصه : در هر تحقیق و پژوهشی برخی از داده ها با داده های دیگر معارض می شوند. این تعارض داده ها موجب می شود که ما نتوانیم نتیجه نهایی را روان بگیریم . در این جا ما باید از روش حل تعارض استفاده کنیم . ما یک علمی داریم در طلبگی به نام اصول فقه نه خود فقه . آنجا روش حل تعارض ها را به دو روش پیشنهاد کرده اند :

### -یک روش حذفی

### -و یک روش حلی

روش حذفی یعنی بیاید یک سوی اختلاف را بگیریم . سویی که ضعیف تر است . روش آسانی است ولی روش خیلی صحیحی نیست .

روش جمعی و حلی داریم که می آیم دو طرف تعارض را مخصوصا در روایات به یک معنایی برسانیم که معنای کامل این از بین نرود و معنای کامل آنهم از بین نرود معنای وسط گرفته شود ولی با هردو بتواند سازگار باشد .

این ۱۲ گام در اینجا به پایان می رسد .

خیلی ممنون از توجه شما

اردیبهشت ۱۴۰۰